

### فهم جامعه‌شناسانهٔ هنجارهای اجتماعی - مذهبی در دیوان هلالی استرآبادی

فاطمه عبدالحسینی<sup>۱</sup>

ماندانا علیمی<sup>۲</sup>

زهره عرب<sup>۳</sup>

#### چکیده

اصولاً هنجارها تداعی کنندهٔ الگوهای رفتاری و کنش‌های اجتماعی یک جامعه می‌باشد. مسألهٔ مهم در این میان، میزان پابندی و اثرگذاری هنجارها در میان افراد یک جامعه می‌باشد. به هر میزان هنجارها از بعد اثرگذاری قدرتمندتر عمل نمایند در ادامه به فرهنگ رایج در جامعه مبدل خواهند شد. در این مقاله تلاش نویسندگان حول ارائهٔ پاسخی متقن به این سوال است که: «مهمترین هنجارهای اجتماعی - مذهبی مطرح شده در دیوان هلالی استرآبادی کدامند؟» فرضیهٔ مقاله بر این موضوع تأکید دارد که مهم‌ترین هنجارهای مطرح شده در دیوان هلالی استرآبادی از دو نوع اجتماعی (رفتاری) و مذهبی (هویتی) و می‌باشند. یافته‌های مقاله نشان داد هنجارهای مطرح شده در اشعار هلالی استرآبادی شامل کنش‌های اجتماعی (شامل چهار زیرکنش) و کنش‌های مذهبی (هویتی) (شامل سه زیرکنش) می‌باشد. همچنین، بسامدسنجی کنش‌های مذکور در پایان نشان داد کنش‌های مذهبی - اعتقادی (هویتی) برجسته‌تر می‌باشد. روش تحقیق مقاله نیز از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه‌شناسی، کنش‌های اجتماعی - مذهبی، هنجار، هلالی استرآبادی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

fh3126975@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (مدیرمسئول).

mandana\_alimi@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۴/۳۰ zohreh Arab@yahoo.com

## ۱- مقدمه

فرهنگ عامه را اولین بار ویلیام جی. تامس، باستان‌شناس انگلیسی، در نشریه ادبی لندن به کاربرد (موسویان، ۱۳۹۹: ۱۷). در تعریف آن اصطلاحات فرهنگ مردم، فرهنگ توده، دانش عوام، حکمت عامیانه، اصطلاحات فرهنگ عامه، آداب و رسوم و باورها و عبارتهایی از این قبیل را ذکر کرده‌اند. فرهنگ عامه به امور مادی و معنوی زندگی انسان تقسیم می‌شود: مسائلی از قبیل تدابیر انسان جهت پوشاک، خوراک، ابزار کار و شغل و... در حوزه مادی و مسائلی از قبیل آداب و رسوم، باورها، آیین‌های سوگ و سور و... در حوزه معنوی فرهنگ عامه مطرح می‌شود (غلامی و پرهیزکار، ۱۴۰۰: ۲۹۶). امروزه بخشی از تحقیقات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی هم به این امر اختصاص دارد. تحقیق در متون ادبی و بررسی و تحلیل فرهنگ عامه در شعر و نثر ادب فارسی نیز قدمت چندانی ندارد و با صادق هدایت شروع شده است. با مطالعه در آثار مهم کلاسیک اعم از شعر و نثر، می‌توان به این موضوع پی برد که دست‌مایه این آثار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ادب شفاهی و عامه بوده است (۲). فارسیان و قاسمی آریان، ۱۴۰۰: ۹۸). نکته حائز اهمیت آنکه اساساً ساختمان ادبیات عامه بر دو اصل واقع‌گرایی و خیال‌پردازی استوار است که از آمیختن این دو، صورتهایی دلپذیر، زیبا و مقبول به وجود می‌آید. محتوا و درون‌مایه آن نیز اغلب برداشت‌ها و تلقی‌های ساده و بی‌پیرایه اقوام ابتدایی و روستایی از زندگی و مرگ، جهان‌لاهورت و ناسوت، کائنات و طبیعت، آرزوها، تصویر مدینه فاضله انسانی و... است (طاهری‌سروتمین، ۱۳۹۷: ۶۱).

## ۱ + بیان مسأله

بدرالدین هلالی استرآبادی استرآبادی از شاعران مطرح گران در قرن‌های دهم و اواخر قرن ۹ دهم هجری است. فرهنگ عامه و باورها و آداب و رسوم عامیانه با محوریت مضامین قرآنی از پرکاربردترین موضوعات اشعار این شاعر است که برای خلق صور خیال و تصویرگری‌ها و مضمون‌آفرینی‌های شاعرانه مورد توجه قرار گرفته است. وی در اشعار خود مواد اصلی مادی و معنوی فرهنگ عامه زندگی روزمره مردم اعم از عادات و آداب و رسوم، آیین‌های مختلف سوگ و سور و جشن‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، باورهای نجومی و طبی و... را به کار گرفته است و برای نزدیکی به افق درک عامه مردم، اندیشه‌های خود را با خلق و ابداع مضمون‌ها، تصویرها، تشبیه‌ها، استعاره‌ها و کنایه‌های دل‌انگیز بیان کرد است؛ لذا در این پژوهش برآنیم تا براساس روش توصیفی به بررسی

## فهم جامعه‌شناسانهٔ هنجارهای اجتماعی - مذهبی... ۳۱۱۱۱

اهمیت و جلوه‌های فرهنگ عامه با محوریت مضامین قرآنی در اشعار این شاعر بپردازیم. بنابراین مسألهٔ اصلی پژوهش کنونی را می‌توان حول دو موضوع ذیل دانست:  
نخست؛ بررسی هنجارهای اجتماعی - فرهنگی در آثار هلالی استرآبادی؛  
دوم؛ نحوهٔ کاربرد هنجارهای اجتماعی - فرهنگی در آثار هلالی استرآبادی.

### ۱-۴- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

آنچه در بررسی متون ادبی ارزش دارد، تحلیل عمیق و مبنایی است، به گونه‌ای که راز ارزش هنری و محتوایی یک اثر را نشان دهد. بررسی اشعار هلالی استرآبادی در قرن نهم به لحاظ استفاده از عناصر فرهنگ عامیانه از آن جهت که فرهنگ عامیانه متضمن عناصر نشان دهنده اوضاع اجتماعی، اعتقادات و باورها و آداب و رسوم، هنر و ادبیات عامیانه مردم آن دوران است، اهمیت بسیاری دارد. همگان واقفند که شاعران به عنوان چکیده و عصاره زمان، آثارشان بیانگر اندیشه، احساسات و عواطف و مخاطب، تبلور زندگی مردم دوران و هم‌راستا با تکامل اجتماعی عصر است. از این رو با تأمل و بررسی اشعار شاعران می‌توان با فرهنگ عامیانه که مجموعه تجربیات و تفکرات بشر و هنرها و آداب و سنت‌های یک جامعه است، آشنا شد و به شناخت اجتماع و فرهنگ و باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی یک ملت نائل آمد.

### ۱-۳- پیشینهٔ تحقیق

- فارسیان و قاسمیان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان: «بازتاب ادبیات عامه ایران در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی» سعی نمودند به بازنمایی ادبیات عامهٔ ایران در سفرنامهٔ دالمانی و ایدئولوژی سیاح بپردازند. نتایج حاصل آمده از تحقیق نشان می‌دهند که تصاویر بازنمایی شده شامل جلوه‌های عامیانه ادبیات فارسی، اشعار، القاب و گفتارهای عامیانه و حکایاتی است که اهمیت جایگاه زبان و ادب فارسی نزد ایرانیان و اروپائیان را نشان داده و از خلال حکایات، ابعادی از فرهنگ ایران تجلی یافته است.

- رحیمی و رحیمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان: «درنگی بر فرهنگ مردم (فولکلور)» به بیان معنای فولکلور و زیربخش‌های آن پرداختند. نتایج نشان داد که جایگاه ادبیات عامه در روند رو به توسعه و فضای مجازی حاکم بر جامعه با نوع قصه‌ها، نوشتن‌ها و جولان موسیقی در اشکال متعدد، نوعی از

## ۳۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

سرگرمی است که شکل این پدیده جالب و جذاب عامه‌پسند را در همگامی یا همخوانی با ادبیات عامه نیازمند بررسی ساختاری توأم با راهکارهای علمی مجاز می‌سازد.

- داوودیان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مضامین اخلاقی در اشعار هلالی استرآبادی» مضامین اخلاقی را در شعر این شاعر بررسی کرده است. نتایج نشان داد فضایل اخلاقی بیش‌تر از رذایل اخلاقی در شعر او نمود می‌یابند.

- نادری و محقق (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های محتوایی و بیانی شعر هلالی استرآبادی در آینه صور خیال» به بررسی اشعار او از منظر محتوا و بیان پرداخته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شده که بیش‌تر استفاده شاعر از صور خیال برای توصیف حال خود در برابر محبوب، توصیف زیبایی‌های محبوب و در پاره‌ای موارد، بیان مضامین دینی است. شاعر بیش‌تر از پدیده‌های طبیعی و تشخیص‌های انسان‌مدار بهره برده است. تشبیه خصوصاً تشبیه حسی بسامد بالایی در شعر وی دارد. استعاره مصرحه، تشخیص، کنایه موصوف و مجاز مرسل نیز دارای بسامد هستند. بیش‌تر تصاویر شعری وی در باب توصیف معشوق و یا یکی از خصوصیات ظاهری و اخلاقی اوست که با کمک مظاهر طبیعی خلق شده‌اند. نوآوری و هنر هلالی در استفاده از نیروی خیال در تشبیهات و کنایه‌های وی نمود بارزی دارد.

- ایران‌منش و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «معرفی بدرالدین هلالی استرآبادی استرآبادی و غزل او بر اساس تصحیح نسخ خطی غزلیات وی» به معرفی این شاعر و غزلیات او پرداخته‌اند. نتایج نشان داد از مهم‌ترین دلایل شهرت این شاعر می‌توان به غیر درباری بودن و مردمی بودن شعرش، زبان ساده نزدیک به محاوره، آزاداندیشی و تقلید از شاعران بزرگ اشاره کرد.

- حسن‌پور (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی رباعیات سحابی استرآبادی» به بررسی اشعار این شاعر از منظر سبک‌شناسی پرداخته است. نتایج نشان داد آنچه به عنوان اصل و اساس در رباعیات سحابی مطرح است، جنبه محتوا و اندیشه حاکم بر آن است که بخش عمده آن را تفکرات عرفانی در بر می‌گیرد و مطالب و مضامین اخلاقی، فلسفی و دینی از دیگر اندیشه‌هایی هستند که بر رباعیات او پرتو افکنده. سحابی، در دوره‌ای می‌زیسته موسوم به سبک هندی که قالب مسلط در آن، غزل بوده است، منتهی با خصوصیات و ویژگی‌هایی جدا از دوره و سبک عراقی و توجه به رباعی و گنجاندن اندیشه‌های فلسفی، عرفانی و... در آن، می‌تواند نوعی سنت‌شکنی به شمار برود،

هرچند سحابی در این راه موفقیت چندانی حاصل نکرده است، اما ارزش کار او بدان جهت است که دست به نوعی بازتولید زده، آن هم در دوره‌ای که هرچند قالب مسلط غزل است، اما بیش‌تر مطالب در یک بیت - و شاید بتوان گفت مصراع - بیان می‌شده است، پس این جنبه از کار او جالب توجه است.

نظر به اهمیت مقوله فرهنگ و فولکلور از یک سو و نو بودن پژوهش این موضوع در اشعار سحابی استرآبادی، صدقی استرآبادی و هلالی استرآبادی، تحقیق حاضر در شمار تحقیقات نو قرار دارد.

#### ۱-۴- چارچوب نظری؛ فرهنگ عامه (فولکلوریک)

واژه فولک<sup>۱</sup> به معنی مردم و لور<sup>۲</sup> به معنی دانستنی‌ها و علم به کار می‌رود و کلمه فولکلور<sup>۳</sup> در مفهوم اصطلاحی به معنی فرهنگ و دانش بومی بوده و عبارت است از مجموعه آثار و خلاقیت‌های یک قوم یا گروه مشخص و معین و یا به وسعت یک ملت که مشتمل بر ارکان ملموس و عینی و غیرملموس مثل محصولات ادبی و هنری، عقاید و آداب و رسوم، دانش و تکنولوژی و طبابت بومی و... است و اصولاً دارای ویژگی‌های دیرینگی، قلمرو معین و شیوه رفتار است (ذبیح‌نیا عمران و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷). این واژه نخستین بار از سوی ویلیام جی توماس<sup>۴</sup> باستان‌شناس انگلیسی، در سال ۱۸۸۵ میلادی وضع گردید و آن را در نشریهٔ انجمن ادبی لندن به چاپ رساند (جایز، ۱۴۰۰: ۲۳). قبل از او افسانه، اشعار و آداب و رسوم توده مردم را به نام فرهنگ و سنن محبوب می‌خواندند، ولی از این سال به بعد کلمه فولکلور در همه کشورها مصطلح شد و امروزه عموم نویسندگان این لفظ را به کار می‌برند (استوری، ۱۴۰۱: ۴۸). به موجب تعریف سن تیو<sup>۵</sup> فولکلور به مطالعهٔ زندگی تودهٔ عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد، زیرا در مقابل ادبیات توده، فرهنگ رسمی و استادانه وجود دارد؛ به این معنی که مواد فولکلور در میان مللی یافت می‌شود که دارای دو پرورش باشند: یکی مربوط به طبقه تحصیل کرده و دیگری مربوط به طبقه عوام؛ به عنوان مثال در هند و چین فولکلور وجود دارد، اما نزد قبایل وحشی استرالیا که نوشته و کتاب ندارند، فولکلور یافت نمی‌شود، زیرا همهٔ امور زندگی قبایل مربوط به علم نژادشناسی می‌شود (استریناتی، ۱۳۹۲: ۶۶). وان ژنپ<sup>۶</sup> نیز در تعریف فولکلور می‌گوید: فولکلور عبارت است از باورها و اعمال گروهی بدون نظریه علمی و فاقد پشتوانه منطقی. بنابر کلیت این تعریف، مقدار زیادی از فعالیت‌های روزمره جوامع همچون: نحوه غذا خوردن، شیوه لباس پوشیدن، آداب و رسوم کفن و دفن، مراسم عروسی و مانند این در شمار فولکلور به حساب می‌آید

(صرفی، ۱۳۹۸: ۴۰). آراین پور نیز در کتاب «از صبا تا نیما و از نیما تا روزگار ما» در مورد فولکلور می‌گوید: «دانش عوام یا توده‌شناسی، شاخه‌ای است از علم مردم‌شناسی و عبارت است از علم به آداب و رسوم، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، ترانه‌ها، سرودها و تصنیف‌های شادی و عزای یک قوم و ملت که زبان به زبان و دهن به دهن از نسلی به نسلی می‌رسد و جمع‌آوری و بررسی دقیق آن‌ها بسیاری از نکات تاریک و مبهم زندگی و معشیت، اخلاق و عادات، عواطف و احساسات و طرز تفکر و اندیشه و اجمالاً خصایص روحی و ملی آن قوم و ملت را آشکار می‌سازد» (آراین پور، ۱۳۷۶: ۴۴۵). به طور کلی، رواج این اصطلاح در زبان فارسی حدود نیم قرن سابقه دارد. صادق هدایت آن را در «فواید گیاه‌خواری» (۱۳۰۶ هـ ش) و «نیرنگستان» (۱۳۱۲ هـ ش) به کار برد و کمی بعد رشید یاسمی مقاله‌ای تحت عنوان «فولکلور» به سال ۱۳۱۵ هـ ش در مجله‌ی تعلیم و تربیت چاپ کرد و از آن پس به تدریج اصطلاح فولکلور به معنی دانش عامیانه و دانستی‌های توده مردم رواج یافت (سیاه‌پوش، ۱۴۰۱: ۹۴).

فولکلور هر ملت یا «فرهنگ مردم» چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ اجتماعی برای آن ملت و برای مردم سراسر جهان ارزش و اهمیت بسیاری دارد. ارزش جهانی فولکلور از آن جهت است که دانش عوام هر ملتی، آئینه ذوق و هنر و معرف خلق و خوی آن ملت و وسیله بسیار خوبی برای شناخت مردم آن جامعه است و چون غالباً با فولکلور ملل دیگر رابطه‌ی تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند سفیر حسن نیت و پیام‌آور دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد (ریچاردز، ۱۳۹۹: ۷۸). در حقیقت، فولکلور بهترین عاملی است که ملت‌ها را به هم نزدیک می‌کند و رابطه معنوی و پیوند دوستی آن‌ها را مستحکم می‌سازد. اما از جنبه ملی و مملکتی، فرهنگ مردم در حکم زندگی‌نامه و شرح احوال و سیرت‌های توده عوام آن ملت و عامل اصلی و شاخص خصلت‌ها و تصویر اصیل آداب و رسوم و عادات آن قوم است و از سویی روشنگر سوابق تاریخی و نشان‌دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم عوام آن کشور است. هنگامی که فولکلور هر منطقه یا هر طایفه را جداگانه بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که با وجود اختلاف ظاهری ریشه، پایه و منشأ همه آن‌ها یکی است و همگی چون شاخه‌های پیوند خورده درختی واحدند که از یک تنه جدا شده و از یک ریشه تغذیه کرده‌اند. این خود استوارترین سند و دلیل بر وحدت قومی و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگی‌های میان مردم است (سپیک، ۱۳۹۰: ۵۳). به هر جهت، امروزه فولکلور در مطالعه اجتماعات بدوی و فهم تاریخ بشر

اهمیت بسیار زیادی یافته است و تقریباً در تمام کشورهای جهان مراکزی برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و نشر آثار فولکلوریک وجود دارد.

وان ژنپ خصوصیات زیر را به‌عنوان تعریف و ویژگی برای شناخت و مطالعه فولکلور پیشنهاد می‌کند:

۱- فولکلور، اعمال و رفتار جمعی و گروهی است که در بین عامه مردم رایج باشد؛ بنابراین اعمال و رفتارهای یک فرد یا یک خانواده را نمی‌توان فولکلور نامید؛

۲- اعمال و رفتارهای فولکلوری به‌مناسبت و بنابر مقتضیات تکرار می‌شود؛ یعنی آنچه که یک یا چند مرتبه یا فقط در دوره‌ای محدود اتفاق افتاده است، در شمار فولکلور نیست؛

۳- فولکلور نه به‌طور خاص، بلکه در مجموعه فعالیت‌های زندگی نقشی را به عهده دارد؛

۴- ابداع‌کننده و به وجود آورنده و زمان شروع رفتارها و اعمال فولکلوریک معلوم نیست و این پدیده‌ها به تدریج به‌وسیله عامه مردم به‌وجود آمده‌اند؛ البته ممکن است پدیده‌ای فولکلوری در گذشته‌ای بسیار دور مبدع و ایجاد‌کننده‌ای مشخص داشته باشد، ولی در طول زمان و به مرور ایام فراموش شده و عمل و نحوه اجرای آن باقی مانده است؛

۵- مقدار زیادی از اعمال و رفتار فولکلوریک بی‌ادبانه و خارج از نزاکت تلقی می‌شود و معمولاً در محافل رسمی و اشرافی از انجام یا بیان آن خودداری می‌شود (یا حقی، ۱۳۹۸: ۱۱۸-۱۲۲).

با توجه به تعاریف و اهمیت فولکلور، می‌توان سه ویژگی عمده برای آن در نظر گرفت:

۱- فولکلور، میراث مدنیت گذشته است (فقط در جوامع متمدن یافت می‌شود)؛

۲- دارای هیچ‌گونه روش علمی و استدلال منطقی نیست و در مجامع رسمی جایی ندارد؛

۳- با وجود تغییرات و تحولات اجتماعی، دست نخورده در کنار ارزش‌ها و پدیده‌های جدید جامعه قرار می‌گیرد (تمیم‌داری، ۱۳۹۹: ۲۶۱-۲۶۴).

مقاله کنونی نیز با مبنا قرار دادن فرهنگ فولکلوریک، سعی دارد عناصر فرهنگ عامه در آثار سحابی استرآبادی، صدقی استرآبادی و هلالی استرآبادی را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

## ۲ بحث

رفتارهای رایج اجتماعی یکی از مهمترین اصول فرهنگ عامه یا فولکلوریک قلمداد می‌گردد. این رفتارها همواره تداعی‌کننده هویت اجتماعی یک جامعه نیز بوده است. نکته مهم آنکه رفتارهای اجتماعی هر جامعه گذشته از آنکه ممکن است متمایز و متفاوت از دیگر جوامع باشد، با گذشت زمان

نیز بعضاً با تطورات و استحاله‌های عمیق نیز مواجه گردیده‌اند (بلوکباشی، ۱۳۹۳: ۲۸). هلالی استرآبادی (استرآبادی) رفتارهای اجتماعی جامعه را در سطوح متعددی مورد واکاوی است. وی با تدقیق در موارد چهارگانه رفتارهای فردی - جمعی، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌های رایج و حتی باورهای ماورائی بن‌مایه‌های اجتماعی فرهنگ فولکلوریک (عامه) را مورد تدقیق قرار داده است:

#### ۱-۱-۲- رفتارهای فردی - جمعی:

۱-۱-۱-۲- احوال‌پرسی: احوال‌پرسی از نخستین رفتارهای اجتماعی افراد در یک جامعه است. این مسأله رفتاری است برای جویاشدن احوالات افراد نزدیک شدن به یکدیگر برای تعمیق دوستی‌های اجتماعی و خانوادگی. هلالی استرآبادی نیز این موضوع در ابیات خود استفاده کرده است:

پرسش حال غریبان رسم و آیینست لیک هست در شهر شما این رسم و این آیین غریب  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۸)

۱-۱-۲- بوسه زدن بر پای: این کار که یکی از رفتارهای اجتماعی برای نشان دادن ادب و احترام و عرض ارادت است، در دیوان هلالی به صورت زیر آمده است:

من کیم بوسه زخم ساعد زیبایش را؟ گز مرا دست دهد بوسه زخم پایش را  
(همان: ۷۵)

۱-۱-۳- جرس: در گذشته برای بانگ حرکت کاروان و یا مطلع کردن مردم در شهر از جرس استفاده می‌کردند. هلالی در این بیت از آن به عنوان بانگ جرس نام برده است. در اجتماعی که شاعر در آن زندگی می‌کند، محمل و جرس جنبه عمومی دارد:

به راه محمل جانان چنان بی خود نیم امشب که هوش رفته باز آید به فریاد جرس ما را  
(همان: ۲)

۱-۱-۴- عیادت و دیدار از بیمار: دیدار و عیادت از بیمار یکی از رفتارهای اجتماعی هر جامعه است که هم بعد اخلاقی دارد و هم بعد عقیدتی و مذهبی. این مسأله همواره برای بیمار و خانواده وی به لحاظ دید و بازدید و بهبود روحی و جسمی بیمار تأکید شده است. هلالی استرآبادی نیز از موضوع به مثابه یک عامل مهم برای شفا و درمان بیمار یاد کرده است:

چون طبیب عاشقانی گه‌گه این دل‌خسته را پرسشی می‌کن که بیمار و خراب افتاده است  
(همان: ۲۵)



### فهم جامعه‌شناسانهٔ هنجارهای اجتماعی - مذهبی... ۳۷\|\|

۵-۱-۲- جشن گرفتن: اساساً جشن گرفتن در هر جامعه‌ای به سبب یادبود یک واقعه یا رویداد خوشایندی می‌باشد. اما واقعیت حکایت از این دارد که عمده هدف هر جشنی، شادی و سرور اهل آن بزم می‌باشد. هلالی استرآبادی نیز همواره سعی در آن دارد تا با هر عنوان و هر کجا که مقدور است بساط شادی و عیش را مهیا نماید:

باغ و بستان دلکشست و کوه و صحرا هم خوشست هر کجا گویی بساط عیش را آن‌جا کشیم  
(همان: ۱۳۳)

۶-۱-۲- شکار کردن: شکار کردن همواره یکی از نمادهای هویتی و اجتماعی هر جامعه‌ای بوده است. این مسئله در ایران باستان از هویت قدرتمندی برخوردار بود تا حدی که قهرمانان بسیاری از داستان‌ها همواره شکارچینی ماهر و تیراندازانی قهار به شمار می‌رفته‌اند. هلالی استرآبادی نیز در برخی از ابیات خود به مسأله شکار به مثابه یک رفتار اجتماعی رایج یاد کرده است. رفتاری که تداعی کنندهٔ قدرت، شادی و عظمت اجتماعی افراد است.

وقت آن شد که ما شکار کنیم عزم صحرا و لاله‌زار کنیم  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۴۸)

عزم گلگشت نوبهار کند گه خورده باده و گه شکار کند  
(همان: ۲۴۸)

وحشیان را تمام گرد کنند کار اهل شکار ورد کنند  
(همان: ۲۵۰)

۷-۱-۲- نامه نوشتن به محبوب: یکی از اقدامات رایج اجتماعی-البته در جوامع دورتر- نامه‌نگاری عاشق و معشوق بوده است. این مسأله همواره به دلدادگی هرچه بیشتر آنان منتهی می‌شد و عمدتاً با محورهای فراق و دوری عاشق از معشوق صورت می‌پذیرفت. هلالی استرآبادی نیز از مسألهٔ نامه‌نگاری عاشق و معشوق در ابیات خود بهره برده است:

شد نامه محبوب خط بندگی من من بنده آن نامه که محبوب نوشتست  
(همان: ۲۵)

## ۳۸ // دو ضمیمه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

۸-۱-۱-۲- نوروز: نوروز یکی از رسوم ایرانیان از باستان تا کنون است. نوروز در شعر فارسی جایگاه خود را دارد و شکفتگی و نو شدن را می‌رساند و در اشعار هلالی استرآبادی نیز به نوروز، گشت و گذار در این ایام و... اشاره شده است:

روز نوروزست سرو گل عذار من کجاست؟ در چمن یاران همه جمعند یار من کجاست؟

(همان: ۲۳)

از آنچه سود که نوروز شد جهان افروز؟ که بی تو روز و شب ما برابرست امروز

(همان: ۸۶)

امشب نه شب وصل است شب قدر منست بهتر از هزار روز نوروز امشب

(همان: ۲۱۳)

۹-۱-۱-۲- هدیه‌دادن: هر چیز خوب مانند خوراکی یا صنایع دستی را که از جایی به‌عنوان ارمغان یا سوغات می‌برند، تحفه یا هدیه می‌نامند. هدیه دادن عمدتاً با هدف دوستی و تعمیق محبت صورت می‌پذیرد. این رسم در دیوان هلالی استرآبادی نیز دیده می‌شود:

به رسم تحفه کشم نقد عمر در پایش ولی چه سود که آن سرو سرکش افتادست

(همان: ۲۷)

۲-۱-۲- **ضرب‌المثل‌ها:** اساساً ضرب‌المثل یا زیانزد گونه‌ای از بیان است که معمولاً تاریخچه و داستانی پندآموز در پس بعضی از آن‌ها نهفته است. بسیاری از این داستان‌ها از یاد رفته‌اند و پیشینه برخی از امثال بر بعضی از مردم روشن نیست، با این حال، در داستان‌ها و اشعار ادبی به فراوانی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا نشانه یا پندی به خواننده دهند. هلالی استرآبادی نیز به فراوانی در اشعار خود از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده است که هریک نشان‌دهنده تأکیدات خاص وی به موضوع مشخصی می‌باشد. در ذیل برخی از مهمترین ضرب‌المثل‌های استفاده شده هلالی استرآبادی تبیین می‌گردد:

الف- جوینده یابنده است:

کسان گویند: هر جوینده یابنده می‌باشد ترا می‌جویم و هرگز نمی‌یابم چه حالست این؟

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۵۳)

ب- آب رفته به جوی باز نیاید:

ای دل ز دیده گریه شادی طمع مدار کین آب رفته باز نیاید به جوی تو

فم جامعه‌شناسانه چهارم‌ای اجتماعی - مذهبی... ۳۹۱۱۱

(همان: ۱۶۴)

ج- دست و پای خود را گم کردن:

بهر تعلیم چون تکلم کرد عاشق از شوق دست و پا گم کرد

(همان: ۲۳۱)

د- سینه چاک زدن:

شب هجر تو هلالی ز خراش دل خویش چاک زد سینه به نوعی که از دل برود

(همان: ۸۴۴)

ه- قدم بر چشم نهادن:

به هر جا پا نهی آن جا نهم صد بار چشم خود چه باشد؟ آه! اگر یک باره بر چشم ما نهی پا را

(همان: ۲)

ی- کباب کردن دل:

این آه گرم بی سببی نیست دم به دم یا سینه سوخت یا دل سوزان کباب شد

(همان: ۴۸)

۳-۱-۲- بازی‌ها: بازی‌ها یکی دیگر از رفتارهای جمعی - فردی هر اجتماعی قلمداد می‌گردد. اصولاً در هر عصری برخی از بازی‌ها گذشته از ایجاد شادی و فرحبخشی در میان مردم، به مثابه نماد و الگوی آن جامعه نیز بوده است. در عصر هلالی استرآبادی بازی چوگان رواج بسیاری داشته است که وی در ابیات خود به آن اشاره داشته است:

هر گه که تو از ناز بری دست به چوگان خواهم همه سر شوم و گوی تو باشم

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۱۴)

به خود این گوی در میدان نگرده که هرگز گوی بی چوگان نگرده

(همان: ۲۷۸)

یکی گفتا: سرم را گوی گردان که سربازم به پیشت همچو چوگان

(همان: ۲۹۵)

۴-۱-۲- باورهای ماورائی:

## ۱۴۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و هشتم

اساساً باورهای ماورائی به معنی اعتقاد غیر منطقی و ثابت نشده به تأثیر امور ماورای طبیعت در امور طبیعی و به عبارت دیگر، هر نوع پندار عجیب برای مردم عوام است یعنی عقاید غیر واقعی. این مسأله اصولاً ریشه در گرایش‌های درونی یا باطنی در زندگی بشر داشته‌اند و به مرور تبدیل به یک باور شده‌اند. آنچه که از نظر اکثر فیلسوفان مورد قبول است، این است که هیچ تعریف مشخص و همه پسندی درباره این مسائل وجود ندارد (چوپرا و ملودینو، ۱۴۰۰: ۱۰۷-۱۰۸). در عصر هلالی استرآبادی نیز اینگونه باورهای ماورائی بسیار بوده‌اند به نحوی که وی در ابیات خود به فراوانی از آنها برده است. نویسندگان در اینجا به برخی از مهمترین عقاید ماورائی موجود در اشعار هلالی استرآبادی مبادرت خواهند نمود:

۱-۴-۲- تأثیر چرخ و افلاک بر سرنوشت آدمیان: یکی از باورهای ماورائی که رواج دارد، تأثیر چرخ و افلاک بر سرنوشت آدمیان است. چرخ یا همان چرخ روزگار در ادبیات عامه بسیار آمده است و طبق اعتقاد عوام بر سرنوشت انسان تأثیر دارد و زندگی افراد را دگرگون می‌سازد. در شعر فارسی همواره از تأثیر فلک بر زندگی بشر سخن رانده شده است. هلالی استرآبادی در ابیات زیر از تأثیر چرخ بر دیدار دوستان گفته است. در این بین مقصود هلالی از چرخ می‌تواند گردش روزگار و ایام باشد:

یارب، ترحمی که ز سنگ جفای چرخ ما دل شکسته‌ایم و ز هر سو ملامتست گفتست

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۶)

نالہ من این همه زان ماه خوش رفتار نیست هر چه با من کرد دور چرخ کج رفتار کرد

(همان: ۴۵)

حرف بیدادی که بیرون آید از کلک قضا دور چرخ آن را به نام من رقم خواهد کشید

(همان: ۷۷)

از نه فلک گذشت هلالی فغان من بنگر که من کجایم و افغان من کجاست؟

(همان: ۲۴)

گر از تو یک دو سه روزی جدا شدیم مرنج که گردش فلک و روزگار شد باعث

(همان: ۳۹)

## فهم جامعه‌شناسانهٔ هنجارهای اجتماعی - مذهبی... ۴۱۱۱۱

۲-۱-۴-۲- افسون: افسون عبارت‌اند از حيله و نیرنگ، آنچه جادوگران بر زبان رانند، سخنی که برای فریب دادن و تحت تأثیر قرار دادن دیگران گفته می‌شود. در ادبیات متأخر و تداول عامه مردم امروز، جادو هم به معنای سحر و افسون و هم به معنای ساحری، افسونگری و جادوگری و جادوگر به معنای ساحر و افسونگر کاربرد دارد. در اشعار هلالی استرآبادی این مفهوم بارها مورد استفاده قرار گرفته است:

از فسونگر نیست چون بی‌خوابی ما را علاج پیش ما افسانه بهتر باشد از افسون او

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۵۹)

بازم فسون چشم تو افسانه ساخته عقل از سرم ربوده و دیوانه ساخته

(همان: ۱۶۹)

۳-۱-۴-۲- تأثیر بخت و طالع در سرنوشت انسان: از دیگر عقاید ماورائی رایج در زندگی اجتماعی، اعتقاد به بخت و طالع است. این مسأله حتی در جوامع کنونی نیز نقشی پررنگ دارد به نحوی که گرایش به طالع بینی در میان مردم بعضاً پررنگ است. هلالی استرآبادی نیز در برخی ابیات خود به نقش پررنگ بخت و اقبال به ویژه در زمانی که ناامیدی موج می‌زند، استفاده کرده است:

گذشت و سوی هلالی ندید و رحم نکرد چه طالعست که هرگز به کس نمی‌نگرد

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۴۶)

به دفع لشکر غم صد سپه برانگیزم ولی چه سود؟ که بخت نمی‌شود پیروز

(همان: ۸۵)

امشب از بخت سیه در کنج تاریک غم یک زمان طالع شو ای ماه سعادت مند من

(همان: ۱۴۵)

آه! از این طالعی که من دارم گریه بهتر ز زندگانی من

(همان: ۲۳۴)

۴-۱-۴-۲- پرنده هما و نیل به سعادت: پرنده هما در اسطوره‌های ایرانی جایگاه مهمی دارد و معروف است که سایه اش بر سر هر کس بیفتد، به سعادت و کامرانی خواهد رسید و به همین دلیل به مرغ سعادت معروف شده است. این پرنده در اشعار هلالی استرآبادی نیز به مثابه عامل خوشبختی و نیک‌کامی به کار رفته است:

## ۴۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

همای وصل تو پاینده باد بر سر من  
که زیر سایه او طالع همایونست  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۹)

صید همای وصل هلالی نه کار ماست  
این کارها ز بخت همایون کند کسی  
(همان: ۱۹۰)

زهی جان همایون فر که بر فرق همایونش  
پر و بال همای دولت او سایبان آمد  
(همان: ۲۰۳)

۴-۱-۲- چشم زخم: در باور ماورائی برخی از افراد، چشم زخم آسیبی است که گمان می رود از اثر نگریستن برخی افراد، بر انسان ها یا موجودات دیگر وارد می شود. هلالی استرآبادی نیز ضمن اعتقاد به این موضوع در برخی ابیات خود بدان اشاره نموده است:

حیف باشد زخم تیر او به چشم دشمنان  
چشم زخم دوستان بادا نصیب دشمنش  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۹۲)

۴-۱-۲- فال بینی: هر عملی که برای آگاهی از رویداد آینده به کار می رود به فال بینی تعبیر می گردد. از فال بینی برای درک برخی از حوادث آینده استفاده می گردد. و این کار به وسیله تعبیر کلام مسموع یا گشودن قرآن یا کتب بزرگان مثل دیوان حافظ و مثنوی و نظایر آن که به تفأل شهرت دارد، انجام می شود که معتقدین بسیاری نیز دارد. هلالی استرآبادی نیز از این موضوع در ابیات خود بهره برده است. نکته مهم آنکه اساساً هلالی فال را به تعبیر نیک و طالع را به بخت بد در ابیات خود استفاده کرده است:

قرعه بندگی خویش به نامم زده ای این سعادت عجیست! این چه مبارک فالیست!

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۳۳)

فال وصلی می زدم ناگاه آن مه رخ نمود آه ای من بنده روی مبارک فال او

(همان: ۱۵۷)

۴-۱-۲- قرار داشتن گنج در ویرانه ها: از نظر قدما گنج ها همواره در ویرانه یافت می شد، چنان که امروزه هم می گویند گنج در خرابه ها است. هلالی استرآبادی نیز با اعتقاد به این موضوع معتقد است:

پی مه خویش هلالی چه کنم عالم را؟ گنج چو نیست چرا ساکن ویرانه شوم؟

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۲۸)

## ۲-۲- بررسی هنجارهای مذهبی (هویتی) در اشعار هلالی استرآبادی

از دیگر مبانی فرهنگ فولکوریک (عامه) مجموعه اعتقادات رایج مذهبی در جامعه است. البته بایستی اذعان داشت این اعتقادات ساختار و ریشه ای ایدئولوژیک و مذهبی دارد که ریشه در دین مردم آن جامعه دارد. در این بخش، نویسندگان ضمن بررسی بن‌مایه‌های اعتقادی فرهنگ فولکوریک (عامه) در اشعار هلالی استرآبادی (استرآبادی) سه موضوع عمده مرگ و پس از مرگ، قیامت و پاداش و عذاب را ذیل این مسأله بررسی خواهند نمود:

۱-۲-۲- مرگ: در اسلام تولد، مرگ و زندگی پس از مرگ از مواردی است که بسیار مورد بحث است و روایات و احادیث بسیاری از آن نقل شده و مواردی مانند زندگی قبل از تولد، زندگی پس از مرگ، جدا شدن روح از بدن، دین، اسلام، شخصیت‌های دینی، پیامبران و امامان نیز از جمله اعتقادات مذهبی است که در اشعار شاعران دیده می‌شود. مرگ جدا شدن روح از بدن و رفتن به آن دنیا است (جاودانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴). شاعران جدا شدن روح را رفتن جان از بدن گفته‌اند و بدن کالبدی است که به خاک سپرده می‌شود و جان نیز به دیار باقی می‌رود. هلالی استرآبادی ضمن اعتقاد به مرگ و اجل آن را در ابیات خود استفاده نموده است:

مگو که: خواب اجل بست چشم مردم را      که چشم‌بندی آن نرگس پرافسونست  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۹)

چون گذشت از دل خدنگش، گو: بیا تیر اجل      هرچه آید بگذرد چون هرچه آمد آن گذشت  
(همان: ۳۴)

نه رحم در دل یار و نه صبر در دل من      اجل کجاست؟ که بس مشکلت مشکل من  
(همان: ۱۴۶)

اجل گویا ره فریاد او بست      که شب همسایه را آسایشی هست  
(همان: ۳۰۸)

۲-۲-۲- پس از مرگ: اساساً پس از مرگ، مراسمات مختلفی اعم از تشییع، خاکسپاری، آرزوی غفران و شادی روح و ... برای میت صورت می‌پذیرد. این رسم تنها مختص اسلام نیست و در دیگر ادیان نیز وجود دارد. البته سفارشات و تأکیدات دین اسلام در این زمینه کامل تر است. هلالی استرآبادی نیز ضمن اعتقاد به این موضوع، ابیاتی در خصوص اقدامات پس از مرگ سروده است:

## ۴۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

۱-۲-۲-۲- کفن پوشاندن: کفن پارچه سفیدی است که میت را با آن می پوشانند و دفن می کنند. کفن یکی از نشانه های مراسم دفن دینی است که در اسلام رواج دارد و میت را درون آن می پیچند و دفن می کنند و در ادبیات معنای مرگ و نیستی می دهد.

چه سان رازی کنم پنهان؟ که از صد پرده ظاهر شد مگر وقتی نهران مانند که در زیر کفن باشم (هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۱۳)

بدنش را ز گریه می شستند کفنش را ز حله می جستند

(همان: ۳۶۶)

۲-۲-۲-۲- تشییع جنازه و دفن میت: از دیگر مراسمات پس از مرگ، مراسم تشییع و خاکسپاری است. این موضوع در ابیات هلالی استرآبادی نیز به معنای کوچ کردن و بار سفر به منزل جدید بستن است:

سزد بر سر تابوت ها گریند در کویش چرا کز منزل مقصود بر بستیم محمل ها

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۵)

چون به عزم خاک بردارید تابوت مرا هر قدم صدجا به گرد کوی او منزل کنید

(همان: ۷۸)

۳-۲-۲-۲- لحد، به معنی گور و سنگی است که بالای سر مرده بر روی گور نصب کنند. این رسم در دیوان هلالی نیز آمده است:

آخرش جانب لحد بردند همچو گنجش به خاک بسپردند

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۶۶)

آن که بر فرق تاج از زر کرد در لحد رفت و خاک بر سر کرد

(همان: ۲۶۶)

۴-۲-۲-۲- بر تربت نوشتن: این موضوع دلالت بر سنگ مزار میت دارد که پس از خاکسپاری او انجام می گردد:

بعد مردم به سر تربت من بنویسید کین عجب سوخته بی سر و پای بود

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۷)

۵-۲-۲-۲- سیاه پوشیدن در عزا: یکی از مراسمات مرسوم و اجتماعی در عزاداری ها پوشیدن رخت سیاه از سوی عزاداران است. هلالی استرآبادی در این رابطه ابراز داشته است:



## فم جامع‌شناسانه‌ی چهارم‌ای اجتماعی - مذهبی... ۴۵۱۱۱

همه آفاق در خروش شدند همه ترکان سیاه‌پوش شدند

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۶۵)

لشکر از ماتمش سیه در بر مضطرب چون سیاهی لشکر

(همان: ۲۶۵)

**۳-۲-۲- قیامت:** اعتقاد به روز قیامت یکی از بن‌مایه‌های شعری در ادبیات شاعران است. قیامت، روزی است که تمام رازها هویدا و آشکار خواهد شد. در این ابیات از هلالی به قیامت اشاره شده است:

شکستی عهد و بر دل‌های مسکین سوختی داغی زهی داغی که تا روز قیامت ماند بر دل‌ها

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۵)

روز محشر کز جفای نیکوان نالند خلق باشد آن بدخو را هر سو دعای دگر

(همان: ۸۴)

مکش هر بی‌گنه را زان بترس آخر که در محشر طلب دارند فردا خون چندین بی‌گناه از تو

(همان: ۱۶۱)

روز عجیبی پیش من آمد! یارب این روز قیامتست، یا روز فراق؟

(همان: ۲۱۵)

**۴-۲-۲- پاداش و عذاب:** اعتقاد به جزا در قیامت از مهمترین اصول ایدئولوژیکی و اعتقادی مسلمانان و دیگر ادیان ابراهیمی می‌باشد. این موضوع که هر کس بر اساس عملکرد خود به پاداش و عقاب می‌رسد، از جمله اعتقاداتی است که همواره وجود داشته است. البته پیش از اقدام به پاداش و عقاب افراد، عملکرد آنان در قالب نامه‌ی اعمال به آنها داده خواهد شد و هر کس بر اساس نامه‌ی ای که به وی داده شده، پاداش و عقاب خواهد شد. هلالی استرآبادی این موضوع را بارها در ابیات خود اشاره کرده و قیامت و نامه‌ی اعمال و پاداش و عذاب را به صورت‌های ذیل تبیین نموده است:

**۱-۲-۲- نامه‌ی اعمال:** نامه‌ی اعمال یکی از اعتقادات مسلمانان است و با این نامه تمام اعمال انسان در روز قیامت به دستش داده می‌شود تا به آن رسیدگی شود. بر پایه آیات قرآن، همه کارهای خوب و بد و کوچک و بزرگی که انسان‌ها در دنیا انجام می‌دهند، در نامه اعمال ثبت شده و در قیامت به دست

آنان داده می‌شود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۹: ۵۳). هلالی استرآبادی در این خصوص اینگونه سروده است:

گرچه من سر به سر گنه کردم نامه خویش را سیه کردم

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۱۸)

از آن سنگی که بست آن کوه تمکین ترازوی عمل را ساخت سنگین

(همان: ۲۷۹)

۲-۲-۴-۲- بهشت: بهشت یا جنت، جایگاهی در جهان آخرت است که بندگان درستکار و سعادتمند در آن ساکن و از نعمت‌های الهی برخوردار می‌شوند. محل سکونت حضرت آدم و حوا، پیش از هبوط به زمین نیز بهشت آدم خوانده شده است. بیش از ۲۰۰ آیه در قرآن و همچنین بسیاری از روایات معصومان، درباره بهشت و ویژگی‌های آن است؛ ویژگی‌هایی مانند اندازه و گستره و مکان، تعداد بهشت‌ها، انواع نعمت، اوصاف ثبوتی و سلبی نعمت‌ها و اشیای موجود در بهشت، غرض از آفرینش، ویژگی‌های بهشتیان، صفات و کارهایی که انسان‌ها را شایسته بهشت می‌کند، محرومان از بهشت و روابط ساکنان بهشت با یکدیگر (رشیدی، ۱۴۰۱: ۶۶-۶۸). این انگاره در دیوان هلالی نیز به چشم می‌خورد:

عارضت هست بهشتی که عیان ساخته‌اند قامت آب حیاتی، که روان ساخته‌اند

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۵۶)

چون تو سروی برنخیزد گرچه در باغ بهشت خاک آدم را به آب زندگانی گل کنند

(همان: ۶۲)

سوی باغی گذر افتاد او را که نشان از بهشت داد او را

(همان: ۲۲۶)

منظری داشت همچو خلد برین برتر از آسمان به روی زمین

(همان: ۲۲۷)

۲-۲-۴-۳- چشمه کوثر: چشمه کوثر چشمه معروفی در بهشت و نشانه پاکی و زیبایی است. حوض کوثر یکی از مواقف قیامت است که در احادیث متعددی به آن اشاره شده است. براساس این احادیث که هم در منابع حدیثی شیعه و هم در منابع اهل سنت به چشم می‌خورد، پیامبر (ص) در روز قیامت در

## فم جامع‌شناسان: چهارم‌ای اجتماعی - مذهبی... ۴۷\|

کنار این حوض مستقر می‌شود و با مؤمنان و بهشتیان دیدار می‌کند و به وضعیت جهنمیان آگاهی می‌یابد. همچنین بهشتیان از آب حوض کوثر که یکی از نعمت‌های مهم الهی است، بهره‌مند می‌شوند (صفایی حائری، ۱۴۰۱: ۴۰-۴۲). هلالی استرآبادی در این رابطه معتقد است:

به نیم جرعه که در بزمش اتفاق افتد فراغتست مرا از بهشت و کوثر او

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۵۷)

۴-۲-۲-۴- درخت طوبی در بهشت: طوبی «درختی است در بهشت و همان‌گونه که نور خورشید در همه خانه‌ها وارد می‌شود، شاخه‌های آن در خانه همه بهشتیان کشیده شده است. در هر شاخه‌ای از آن میوه‌ها و نعمت‌هایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در خاطر کسی خطور کرده است. آن درخت را خداوند با دست قدرت خود آفریده است و آن را جانی داده که شیعیان و درجات آن‌ها را می‌شناسد و بهشتیان هرگونه زینتی که بخواهند و هر نوع میوه که تمایل داشته باشند، از آن درخت بچینند و این درخت ثمره محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) است» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۸۱).

پس از مرگ نخواهم سایه طوبی ولی خواهم که روزی سایه بر خاک فند آن سرو بالا را

(استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲)

گر دل سدره و طوبی نجوید دور نیست زان که من در آرزوی سرو دلجوی توام

(همان: ۱۰۳)

۵-۲-۲-۴- دوزخ و عذاب: جهنم یا دوزخ جایگاه انسان‌های بدکار (گناهکار، منافق، کافر و مشرک) در جهان پس از مرگ است که در آن سزای اعمال خود را خواهند دید. در قرآن افزون بر نام جهنم، نام‌های دیگری مانند جَحیم، سَقَر و سَعیر نیز اشاره به جهنم یا طبقه‌ای از آن دارد و در موارد زیادی نیز فقط با واژه «النار» (آتش) از آن یاد شده است. در فرهنگ ایران، نام دوزخ بازمانده از ایران باستان به‌عنوان معادلی برای جهنم کاربرد داشته است. جهنم نه تنها در نصوص دینی مانند قرآن و روایات بازنتاب وسیعی داشته، بلکه در حیطه دانش‌هایی چون کلام، فلسفه و عرفان نظری هم مباحثی را به خود اختصاص داده است (رضوانی، ۱۳۹۸: ۳۹-۴۰). هلالی نیز در اشعار خود به دوزخ اشاره کرده است:

دارم شبی که دوزخ از آن علامتست از روز من مپرس که آن خود قیامتست

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۶)

زاهد به کنج صومعه می نوش و مست باش یعنی که دوزخی شدی آتش پرست باش  
(همان: ۹۰)

زمستانش ز سردی سرد چون یخ تموز او ز گرمی همچو دوزخ  
(همان: ۳۲۷)

### ۲-۳- مضامین هویتی فرهنگ فولکوریک (عامه) در اشعار هلالی استرآبادی (استرآبادی)

هنجارهای اعتقادی، سومین شاخص کلان در بررسی فرهنگ فولکوریک (عامه) در اشعار هلالی استرآبادی می باشد. اساساً مذهب، یک سیستم اجتماعی - فرهنگی از رفتارها، تمرینات، سیرت، دیدگاه جهانی، متون، عبادتگاه‌ها، رسالت، اخلاق، یا سازمان‌هاست که بشریت را به عناصر ماوراء الطبیعه، متعالی یا روحی مرتبط می کند (شمسایی، ۱۳۹۹: ۹). هلالی استرآبادی نیز به مثابه یک شاعر مسلمان از شاخص های مذهبی بالایی برخوردار بوده است که این موضوع را نویسندگان از ابیات وی در این رابطه احصاء نموده و در قالب‌های سه گانه ذیل دسته‌بندی کرده‌اند:

۱-۳-۲- احترام به پیامبران الهی: اشاره به پیامبران الهی و احترام به آنان در بسیاری از ابیات هلالی دیده می شود. وی بسیاری از اشعار در مورد پیامبران را بر اساس نص قرآن کریم سروده است و همواره از پیامبران الهی به مثابه نیروهای ماورای بشری و راهنمای حقیقت یاد کرده است. در ذیل برخی از مهمترین ابیات هلالی در رابطه با برخی از پیامبران به اجمال بررسی می گردد:

۱-۳-۲- حضرت آدم (ع): حضرت آدم اولین پیامبر و اولین بشر است و در ادبیات خاک آدم و آفرینش او، سجده ملائک به ایشان، سجده نکردن شیطان به حضرت آدم و... دست‌مایه شاعران به ویژه هلالی برای سرایش شعر شده است:

خاک آدم سرشتند غرض عشق تو بود هر که خاک ره عشق تو نشد آدم نیست  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۳۳)

چون تو سروی برنخیزد گرچه در باغ بهشت خاک آدم را به آب زندگانی گل کنند  
(همان: ۶۲)

خاک آدم را از آن گل کرد استاد ازل تا چنین نازک نهالی بردمد ز آن آب و خاک  
(همان: ۱۰۰)

## فهرست شماره چهارم ای اجتماعی - مذهبی ... ۴۹۱۱۱

چو آدم را وجود از خاک دادند      ملایک در سجودش سر نهادند  
(همان: ۳۰۰)

چو شیطان سرکشید از سجده کردن      فتاد از لعنتش طوقی به گردن  
(همان: ب ۴۸۶۶، ۳۰۱)

۱-۲-۳-۲- حضرت نوح (ع): نوح (ع) در ادبیات عامه و در شعر شاعران مجاز از دو مسأله عمر طولانی، نجات بخشی است. هلالی در این ابیات به این مورد اشاره کرده است:

ز طوفان سرشک خود بگردانی گرفتارم      که عمر نوح اگر یابم نیستم روی ساحل‌ها  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۵)

کاش! به ساحل کشد رخت من از موج غم      آن که شد از لطف نوح ز طوفان خلاص  
(همان: ۹۷)

من نوح روزگارم از گریه غرق طوفان      کو همدمی که گویم درد هزارساله  
(همان: ۱۷۵)

۱-۲-۳-۲- حضرت یوسف (ع): داستان حضرت یعقوب (ع) و فرزندش یوسف (ع) در اشعار شاعران بسیاری آمده و داستان بازار برده‌فروشان و داستان عشق زلیخا به او دست‌مایه شاعران بسیاری بوده است. زیبایی یوسف و حسن او نیز از جمله مواردی است که در شعر هلالی نیز بیان شده. داستان زیبایی یوسف و اشک یعقوب در فراق فرزندش از نمادهای پرکاربرد در ادبیات است و هلالی در ابیات مختلف به داستان حضرت یوسف و پدرش اشاره می‌کند:

چو در بازار حسن از یک طرف پیدا شدی ناگه      خریداران یوسف برطرف کردند سودا را  
(استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲)

رفتست عزیز من و مکتوب نوشتست      یوسف خبر خویش به یعقوب نوشتست  
(همان: ۲۵)

عزیزان را ز سودای کسی آشفته می‌بینم      مگر آن یوسف گم‌گشته در بازار پیدا شد؟  
(همان: ۴۸)

اگر یعقوب ازو بویی شنیدی      چو گل پیراهن یوسف دریدی  
(همان: ۲۷۹)

## ۱۵۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و هشتم

۱-۳-۲- حضرت سلیمان (ع): داستان حضرت سلیمان به دلیل گستردگی و تنوع ماجراها، تأثیرات گوناگون و متفاوتی در متون ادب فارسی گذاشته است که آن را از داستان دیگر پیامبران ممتاز می‌کند. با وجود قدمت روایت این داستان در منابع آیین یهود، قرآن کریم بهترین و نخستین منبع شاعران و عارفان برای استفاده بوده است. موضوعاتی مانند عدالت سلیمان، منطق الطیر دانستن او، تسلط بر دیوان و... از جمله روایات قرآنی داستان حضرت سلیمان (ع) است. حکومت حضرت سلیمان در قرآن کریم به طور بارز و شاخص تبیین شده و ویژگی‌های شگفت‌انگیزی برای این حکومت مطرح شده است. از طرفی در رأس هرم قدرت این حکومت حضرت سلیمانی است که هم‌زمان دارای مقام نبوت است و مأموریت الهی دارد. بر اساس داده‌های قرآنی، سلیمان نبی از خداوند اعطای حکومتی بی‌نظیر را درخواست کرد که مورد اجابت قرار گرفت، به طوری که تا زمان حضرت مهدی (عج) که عصر تمدن آخرالزمان است، همانند آن تشکیل نخواهد شد. تعبیر قرآن از حکومت او با عنوان «ملک سلیمان» (بقره: ۶۰) نیز بازگوکننده شکوه این حکومت است (کلهر، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۸). البته داستان‌های مشهور دیگری همچون حضرت سلیمان و اجنه و نیز داستان مشهور هدهد نیز در اشعار هلالی آمده ولی به سبب طولانی بودن نویسندگان در اینجا تنها به اشعار مرتبط با حکومت حضرت سلیمان اشاره خواهند کرد.

خاتم زرینه داد دست سلیمان پناه صبح به صحرا فتاد از بغل اهرمن

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

آن پری بزم بیاراست هلالی برخیز جام جم گیر که شد ملک سلیمان از تو

(همان: ۱۶۱)

۱-۳-۲- حضرت موسی (ع): داستان حضرت موسی و داستان آتش طور سینا از داستان‌هایی است که در ادبیات به کار رفته. داستان موسی برای وصف طبیعت دارای مایه‌های تشبیهی و تصویری متنوعی است. جوهره خیال‌انگیز معجزات و داستان‌های متنوع و پرشمار حضرت موسی از طریق ارائه تصویرهای مبتنی بر تلمیح، کارمایه هنرنمایی شاعران در وصف زیبایی معشوق و بیان احوالات عاطفی گشته است. داستان موسی و رهاکردن مال و عیال برای جستن آتش تمثیلی است از سپردن امور به حضرت حق و رهاکردن دل بستگی در راه وصال (حسن بیگی، ۱۳۹۹: ۳-۴). داستان حضرت موسی و طور سینا در اشعار هلالی نیز آمده است:

## فم جامعه‌شناسانهٔ عجم‌های اجتماعی - مذهبی... ۵۱۱۱۱

آتش موسی گرفت در کمر کوهسار شعله به گردون رساند آه دل کوهکن  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۰۵)

آتش موسی به طور آمد ظلمت شب برفت نور آمد  
(همان: ۲۳۱)

عصای موسی را قدر بشکست دم عیسی مریم را فرو بست  
(همان: ۲۷۹)

۶-۳-۲- حضرت خضر (ع): در تصور عامه مردم ایران خضر پیامبر یا مردی روحانی است با عمر جاودان که دائماً در گردش است. او نیاز مردم را برطرف می‌کند و هنگام درماندگی آنان، خاصه مسافران و امانده در بیابان و راه گم کرده ظاهر می‌شود و آنان را یاری و راهنمایی می‌کند. خضر در قصه‌های عامیانه راهنما و یاور قهرمانان و پیشگوی وقایع آینده برای آنان است. خضر در وقت درماندگی آن‌ها ظاهر می‌شود و خود را خضر نبی معرفی می‌کند و به آنان یاری می‌رساند (رضوی طوسی و بهشتی، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۳). هلالی نیز از جمله شاعرانی است که به خضر در اشعار خود اشاره کرده که در ادامه می‌آید:

اگر چشم خضر بر لعل جان‌بخش تو افتادی به عمر خود نکردی یاد هرگز آب حیوان را  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۰)

حضرت خضر فلک خضرا گرفت یافت به عمر دراز چشمه ظلمت وطن  
(همان: ۲۰۵)

دلا، زان لب زلال خضر می‌خواهی خیالست این ز آتش آب می‌جویی تمنای محالست این  
(همان: ۱۵۲)

گر خوری همچو خضر آب حیات تشنه‌لب جان‌دهی درین ظلمات  
(همان: ۲۷۲)

۷-۳-۲- حضرت عیسی (ع): یکی از معجزات حضرت عیسی (ع) زنده کردن مردگان بود که شاعر در این بیت باد صبا را که بوی یار را به همراه دارد، مانند دم مسیحایی می‌بیند که جان‌ش را زنده گردانیده است:

مردم عیسی دمی می‌خواهم که یابم زندگانی هم‌ره باد صبا بفرست بوی خویش را

(استرآبادی، ۱۳۹۷: ۷)

من که امروز هلاک دم جان بخش توام دم عیسی چه کنم؟ چون دم او این دم نیست  
(همان: ۳۳)

از تیغ تو صد کشته شود زنده به یک دم گویا دم جان پرور عیسیست دم او  
(همان: ۱۵۸)

حدیث روح بخش آغاز کردی چو عیسی دعوی اعجاز کردی  
(همان: ۳۲۹)

۱-۳-۲- پیامبر اسلام (ص): حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر است که دین اسلام را از سوی خدا آورده است. او اهل مکه بود و در سن ۴۰ سالگی به نبوت رسید. هلالی جغتای ضمن احترام بسیار به پیامبر اسلام (ص) برخی از محسنات همچون: عزت و آبروی هر انسان، هدایتگری، شفاعت گری، نور دیده و جان، چراغ جهانیان، صاحب خلق عظیم و جایگاه رفیع پیامبر را برای آن حضرت در نظر گرفته و اشعاری نیز در آن راستا سروده است:

محمد عربی آبروی هر دو سراسر است کسی که خاک درش نیست خاک بر سر او  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۱۱)

هدایت را رفیق راه ما کن محمد را شفاعت خواه ما کن  
(همان: ۲۷۸)

محمد کیست جان را قرة العین کمان ابروی بزم قاب قوسین  
(همان: ۲۷۸)

۲-۳-۲- احترام به امام علی (ع): امام علی (ع) امام اول شیعیان و داماد پیامبر (ص) است. ایشان اولین فردی بود که به اسلام ایمان آورد و در تمام زمان حیات پیامبر در کنار ایشان و وفادار به ایشان بود. «در ادبیات پارسی نیز از سده چهارم هجری به بعد که سروده‌ها و دیوان‌های شاعران برجای مانده است، مسئله «وصایت» حضرت علی و مدح خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) جایگاهی والا را به خود اختصاص داده است و این امر با ظهور تشیع در ایران ارتباطی تنگاتنگ دارد» (قمی و اسلامی، ۱۴۰۰: ۳۰-۳۲). هلالی نیز در دیوان خود به حضرت علی (ع) و ماجرای ذوالفقار و فتح خیبر



## فهم جامعه‌شناسانه همجاری اجتماعی - مذهبی... ۵۳۱۱۱

اشاره کرده و در مهمترین صفات آن حضرت، همچون شیر خدا، شاه مردان، دلاوری، فتح خیبر، نابودگر کافران و هدایت‌گر جهانیان، اشعار زیادی سروده است:

اسدالله سرور غالب شاه مردان علی ابوطالب  
هر که با شیر حق زند پنجه پنجه خویشتن کند رنجه  
در کف انگشت او کلیدی بود در خیبر به آن کلید گشود  
وز سر ذوالفقار آن فیاض رشته کفر را شده مقراض  
(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۲۲)

علی را هادی راه خدا کن به حق خلق جهان را ره‌نما کن  
(همان: ۲۸۰)

۳-۲-۳- شعائر و مناسک مذهبی: از دیگر اعتقادات مذهبی به ویژه در میان جامعه مسلمان، احترام و پابندی به برخی از مناسک و شعائر مذهبی است. پیشتر اشاره گردید که هلالی استرآبادی شاعری مسلمان بود و بالطبع به بسیاری از مناسک و شعائر پابندی داشته است. لذا در بسیاری از اشعار خود به آنها توجه نموده است که در ذیل به اجمال به مهمترین آنها پرداخته خواهد شد:

۳-۳-۱- خانه خدا (کعبه): کعبه، خانه خدا و مکان تجمع مسلمانان و نشانه وحدت است. هلالی کعبه را مکانی ارزشمند و محترم و آنرا مکانی برای اشک و ابراز پشیمانی و نیل به معشوق معرفی می‌کند:

مقیم کوی تو چون در حریم کعبه نشست به آه حسرت و اشک ندامتی برخاست  
(استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۴)

گر از طواف حریم کعبه کویت خبر یابد ز شوق آن پرد روح از تن مرغ حرم بیرون  
(همان: ۱۵۱)

حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار او خانه همی جوید و من صاحب خانه  
مقصود من از کعبه و بت‌خانه تویی تو مقصود تویی کعبه و بت‌خانه بهانه  
(همان: ۱۷۷)

۳-۳-۲- نماز: نماز و ادای واجبات دینی از نشانه‌های دینی است. سجده، مؤذن و قدقامت گفتن از نشانه‌های نماز است که هلالی از این واژه‌ها در شعر خود بهره برده است:

## ۵۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

هلالی را نگشتی گر سجود از دیدنت مانع سرش در سجده بودی تا قیامت پیش ابرویت

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۳۸)

«قد قامت» و فریاد مؤذن نکند گوش آن کس که به فریاد بود زان قد و قامت

(همان: ۳۶)

۳-۳-۲- معراج: هلالی در ابیاتی به توصیف شب معراج پرداخته است. «در اصطلاح، به عروج پیامبر اسلام از مسجدالاقصی به آسمان‌ها شب معراج گفته می‌شود. به نقل از منابع اسلامی، پیامبر(ص) در شبی از مکه به مسجدالاقصی انتقال یافت و از آن جا به آسمان عروج کرد. علامه طباطبایی بر این باور است که پیامبر از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی با روح و بدنش سیر داده شده و از مسجدالاقصی تا آسمان‌ها معراجش روحی بوده، ولی نه مانند آنچه برای انسان در خواب و خیال رخ می‌دهد، بلکه اگر هم معراج پیامبر در مرحله‌ای فقط با روحش بوده، او قطعاً به عوالم غیرمادی رفته و در آن جا حضور پیدا کرده و با موجودات در آن عوالم ارتباط برقرار کرده است و البته این گونه نیست که اولاً موجود غیرمادی فقط منحصر در خدا باشد و ثانیاً هر موجود غیرمادی فقط در عالم تخیل و تمثیل و الزاماً غیر محسوس باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۳).

زیر گیسوی او رخ چون ماه شب معراج را جمال‌الله

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۲۰)

ای خوش آن شب که جبرئیل امین سویش آمد ز آسمان به زمین

(همان: ۲۲۰)

۳-۳-۲- مسجدالاقصی: مسجدالاقصی اولین قبله مسلمانان و دارای اهمیت بسیاری است. هلالی نیز به این مسأله توجه زیادی نموده است:

ز بطن وادی بطحی قدم زد به بام مسجدالاقصی علم زد

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۸۱)

۳-۳-۲- شب قدر: شب قدر یکی از شب‌های مهم در دین اسلام است که طی آن پیامبر به معراج رفت و قرآن بر ایشان نازل شد. هلالی شب قدر و براتی را که در این شب برای بشریت نوشته می‌شود، دست‌مایه شعر خود کرده است:

تازه براتیسست خط سبز تو به ز شب قدر بود این برات

## فهم جامعه‌شناسانه چهارمای اجتماعی - مذهبی... ۵۵۱۱۱

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۹)

ماه من زلفت شب قدر است و روزت روز عید در سر ماهی شب و روزی به این خوبی که دید؟  
(همان: ۶۸)

خط آن نامه بود خط نجات چون شب قدر در میان برات

(همان: ۲۶۲)

۲-۳-۳-۶- عید قربان: عید قربان یکی از اعیاد مهم مسلمانان است و اهمیت بسیاری دارد. مسلمانان در این روز قربانی می‌کنند. هلالی نیز در شعر خود بارها به این مراسم اشاره کرده است:

عید شد بخرام تا مدهوش و حیرانت شوم خنجر عاشق کشتی برکش که قربانت شوم

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

عید قربان شد بیا عاشق کشتی بنیاد کن دردمندان را به درد نو مبارک باد کن

(همان: ۱۴۲)

۲-۳-۳-۷- عید فطر عید فطر از اعیاد مهم مسلمانان جهان است که بعد از ماه رمضان و بعد از یک ماه روزه، مسلمان این روز را جشن می‌گیرد. «عید فطر اولین روز ماه شوال است که با رؤیت هلال ماه شوال در پایان ماه رمضان ثابت می‌شود. در روایات روز عید فطر روزه جایزه‌های خدا و روز پاداش و آمرزش گناهان است» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۵۰). هلالی در دیوان خود بارها از این عید نام برده است:

رسید دور گل و روزه در میان آمد کجاست عید که برخیزد از میان روزه؟

در انتظار شب عید و نور مجلس یار سیاه گشت به چشم جهان روزه

ز ماه روزه هلالی فغان مکن همه روز خموش باش که زد مهر بر دهان روزه

(هلالی استرآبادی، ۱۳۹۷: ۱۷۵)

چو ماه عید به سالی اگر شوی طالع روی همان دم و با من شبی سحر نکنی

(همان: ۱۹۵)

### ۳. نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی در راستای تبیین عناصر فولکلوریک (عامه) با تاکید بر مضامین قرآنی در اشعار هلالی استرآبادی بود. اصولاً فرهنگ فولکلوریک، شامل اعمال و رفتار و گفتار و جنبه‌های مختلف زندگی بشری است که می‌تواند به نسل‌های دیگر نیز منتقل گردد. بنابراین با شناخت فرهنگ فولکلوریک

یک جامعه می‌توان به شناخت شناسی مناسبی از شرایط زندگی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و حتی اقتصادی آن جامعه پی برد. کشور ایران نیز در طول تاریخ حیات خود از فرهنگ فولکوریک غنی برخوردار بوده است. ایران قبل از اسلام نیز با تمدن غنی خود از فرهنگ فولکوریک قدرتمندی برخوردار بود و با ورود اسلام به ایران این فرهنگ عامه مقتدرتر گردید که علت آن آمیخته شدن آن با فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی است. در پژوهش کنونی با مبنای قرار دادن اشعار هلالی استرآبادی استرآبادی، شاعر پارسی گوی قرن نهم هجری، تلاش نمودند به تبیین مهمترین بن‌مایه‌های فرهنگ فولکوریک در اشعار وی پرداخته شد. تلاش نویسندگان در پایان نشان داد مهمترین هنجارهای اجتماعی-مذهبی در اشعار هلالی استرآبادی در سه سطح کلان و چندین زیرسطوح قرار می‌گیرند که عبارتند از: بن‌مایه‌های اجتماعی (رفتارهای فردی-جمعی، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌ها و باورهای ماورائی)، اعتقادی (مرگ و پس از آن، قیامت، پاداش و عذاب)، مذهبی (احترام به پیامبران الهی، امام علی (ع)، شعائر مذهبی). در پایان نویسندگان با توجه به مطالب بحث شده به بسامدسنجی هنجارهای اجتماعی-مذهبی مقاله مبادرت خواهند نمود.



## پی‌نوشت‌ها

1. Folk
2. Lore
3. Folklore
4. William. J. Thomas

فهم جامعه‌شناسانهٔ هنجارهای اجتماعی - مذهبی... ۵۷\|\|

5. Saint Yves

6. Van Geneep

### کتابشناسی

- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۷). **از صبا تا نیما و از نیما تا روزگار ما**، تهران: زوار.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۹). **معاد**، تهران: حکمت.
- استریناتی، دومینیک. (۱۳۹۲). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه**، ترجمهٔ ثریا پاک‌نظر، تهران: فروردین.
- استوری، جان. (۱۴۰۱). **مطالعات فرهنگی دربارهٔ فرهنگ عامه**، ترجمهٔ حسین پاینده، تهران: آگه.
- ایران منش مریم؛ طغیانی، اسحاق و مدبری، محمود. (۱۳۹۴). «**معرفی بدرالدین هلالی استرآبادی**» **استرآبادی و غزل او بر اساس تصحیح نسخ خطی غزلیات وی**، مجلهٔ سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، ۸(۲۸)، ۸۳-۱۰۰.
- بلوکباشی، عباس. (۱۳۹۳). **در فرهنگ خود زیستن**، تهران: گل آذین.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۹). **فرهنگ عامه**، تهران: مه‌کامه.
- جایز، گروت‌رد. (۱۴۰۰). **فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور**، ترجمهٔ محمدرضا بقاپور، تهران: اختران.
- جاودانی، عباس؛ فخار، عادل؛ حسینی سرخکلانی، سیده معصومه. (۱۴۰۱). **مرگ‌اندیشی در اسلام و روانشناسی**، تهران: برگ و باد.
- چوپرا، دپیک و ملودینو، لئونارد. (۱۴۰۰). **جدال جهان‌بینی‌ها: علم در برابر عالم ماورائی**، ترجمهٔ سعید غلامی، تهران: کویر.
- حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۹). **حضرت موسی (ع): عصای موسی**، قم: مسجد جمکران.
- حسن پور، هیوا. (۱۳۹۰). «**سبک‌شناسی رباعیات سحابی استرآبادی**»، مجلهٔ سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، ۴(۱۴)، ۳-۵۶.
- داوودیان، محمدحسن. (۱۳۹۸). «**مضامین اخلاقی در اشعار هلالی استرآبادی**»، مجلهٔ پاژ، ۹(۳۴)، ۴۷-۶۸.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه؛ یزدانی، حسین و پهلوان شمسی، فاطمه. (۱۳۹۵). **زیباشناسی ادبیات عامه**، یزد: هومان.

## ۱۵۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

رحیمی، کبری و رحیمی، سعدالله. (۱۳۹۹). «درنگی بر فرهنگ مردم (فولکلور)»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۳(۲۳)، ۵۳-۶۲.

رشیدی، فضل الرحمن. (۱۴۰۱). **حوران بهشتی و فرشته موت**، تهران: مکتب البشری.

رضوانی، جابر. (۱۳۹۹). **دوزخ، بدترین منزلگاه**، تهران: کتابسرای عادل.

ریچاردز، بری. (۱۳۹۹). **روانکاوی فرهنگ عامه**، ترجمه حسین پاینده، تهران: مروارید.

سیاه پوش، محمدتقی. (۱۴۰۱). **آداب و رسوم و فرهنگ عامه**، تهران: شفیعی.

سییک، ییری. (۱۳۹۰). **ادبیات فولکلور ایران**، ترجمه محمد اخگری، تهران: سروش.

شمسایی، مهین. (۱۳۹۹). **مذهب گویی در شعر شاعران برجسته ادب فارسی**، تهران: شواتیر.

صرفی، محمد رضا. (۱۳۹۸). **فرهنگ عامه در آثار خواجهی کرمانی**، تهران: خاموش.

صفایی حائری. (۱۴۰۱). **کوثر؛ چشمه جاری: تطهیر با جاری قرآن؛ سوره کوثر**، هران: ليله القدر.

طاهری سروتمین، فاطمه. (۱۳۹۷). **فرهنگ عامه در دیوان بیدل دهلوی**، تهران: ولی.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: امیرکبیر.

غلامی، فاطمه و پرهیزکار، شیما. (۱۴۰۰). «کارکرد فرهنگ و زبان عامه در تکوین گفتار نوشت های عرفانی (بر اساس معارف بهاء ولد، معارف ترمذی، معارف سلطان ولد)»، مجله کهن نامه ادب پارسی، ۱۲(۲)، ۲۹۱-۳۱۹.

فارسیان، محمد رضا و قاسمی آریان، فاطمه. (۱۴۰۰). «بازتاب ادبیات عامه ایران در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی»، مجله مطالعات زبان و ترجمه، ۵۴(۳)، ۹۷-۱۲۲.

قمی، محمد و اسلامی، علی. (۱۴۰۰). **گوشه ای از فضائل حضرت وصی امام علی (ع)** (به انضمام شرح اجمالی بر صفات الهی)، تهران: امتداد حکمت.

کلهر، فریبا. (۱۳۹۰). **حضرت سلیمان (ع)**، تهران: امیرکبیر.

موسویان، هایده. (۱۳۹۹). **فرهنگ عامه (فولکلور) در دیوان خاقانی**، تهران: موجک.

نادری، فرهاد و محقق، مهدی. (۱۳۹۶). «شاخص های محتوایی و بیانی شعر هلالی استرآبادی در

**آینه صور خیال**»، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۹(۳۳)، ۱۹۷-۲۳۸.

هلالی استرآبادی، بدرالدین. (۱۳۹۷). **دیوان اشعار**، تهران: کلمه طیبه.

فہم جامعہ شناسانہٴ ہجاریہ اجتماعی - مذہبی... ۵۹۱۱۱

یا حقی، محمد جعفر (۱۳۹۸). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ

معاصر.